

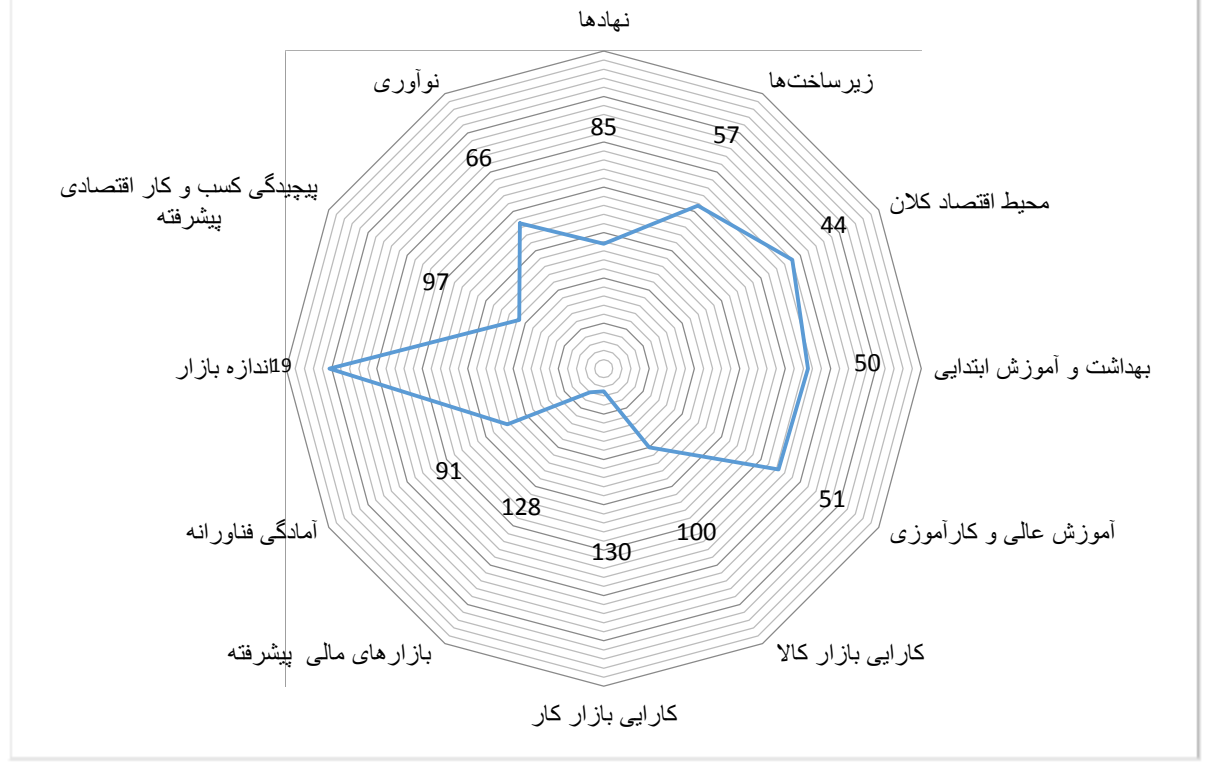
مروری اجمالی بر وضعیت کلی شاخص رقابت‌پذیری کشور

برابر گزارش ۲۰۱۷/۲۰۱۸ مجمع جهانی اقتصاد، رتبه ایران در شاخص رقابت‌پذیری جهانی با ۷ درجه ارتقاء در مقایسه با گزارش ۲۰۱۶/۲۰۱۷ از رتبه ۷۶ (از میان ۱۳۸ کشور مورد بررسی) به ۶۹ (از میان ۱۳۷ کشور) رسیده است. اما به همان میزان که کاهش یا افزایش‌های مقطعی نباید مورد اعتنا باشند، بایستی جهت‌گیری کلی و روند عوامل کاهنده یا افزایش‌دهنده رتبه رقابت‌پذیری کشور مورد توجه قرار گیرد. بعنوان مثال رتبه ایران در شاخص رقابت‌پذیری جهانی دوره ۲۰۱۲-۲۰۱۱ (معادل ۱۳۹۰ شمسی) یعنی قبل از تأثیر تبعات حاصل از تحریم‌های اقتصادی با کاهش قابل ملاحظه ۲۱ پله‌ای از رتبه ۶۲ به رتبه ۸۳ در دوره ۲۰۱۴/۱۵ (معادل ۱۳۹۳ شمسی) سقوط نمود، اما پس از آن به تدریج با ظاهر شدن اثرات موافقتنامه برجام و ایجاد ثبات و آرامش نسبی در وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور، مجدد رتبه ایران با هفت پله ارتقاء از رتبه ۸۳ در سال ۱۳۹۳ به رتبه ۷۶ در سال ۱۳۹۵ و به ۶۹ در سال ۱۳۹۶ رسید. نکته اینکه بهبود شاخص‌های رقابت‌پذیری، هدف نیست بلکه فرایند مستمری که برای خلق و توسعه مزیت رقابتی پایدار شکل می‌گیرد باید مورد توجه باشد.

مروری بر وضعیت مولفه‌های رقابت‌پذیری ایران

بطور کلی وضعیت ایران در ۱۲ مولفه رقابت‌پذیری (نهاده‌ها، زیرساختها، ثبات اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش ابتدائی، آموزش‌عالی و مهارت‌های تخصصی، بازار کالا، بازار کار، بازار مالی، آمادگی فن‌آورانه، اندازه بازار، محیط کسب‌وکار و نوآوری) بنحوی است که ایران در ۲ مولفه بازار کار و بازار مالی ضعیف‌ترین وضعیت را کسب کرده است و در مقابل، در مولفه‌های اندازه بازار، سلامت و آموزش عالی بهترین وضعیت را احراز نموده و در خصوص شرایط ثبات محیط اقتصاد کلان با ارتقاء رتبه از ۷۲ به ۴۴ بهبود خیره‌کننده‌ای نسبت به سال‌های قبل داشته است. در واقع، دو مولفه بازار کار و بازار مالی عوامل اصلی کاهنده شاخص رقابت‌پذیری ایران بوده‌اند و در مقابل مولفه‌های اندازه بازار، سلامت و آموزش موجب بهبود رتبه شاخص رقابت‌پذیری کشور شده‌اند. بازارهای بزرگ، استفاده از صرفه‌های مقیاس را برای شرکت‌ها میسر می‌سازند در این مولفه ایران در بین ۱۳۷ کشور، رتبه نوزدهم جهان را دارد بدین صورت که در دو زیر شاخص اندازه بازار داخلی و خارجی به ترتیب رتبه ۱۸ و ۳۱ را داشته و در دو زیرشاخص "تولید ناخالص داخلی بر حسب قدرت برابری خرید" و "سهم صادرات از GDP" نیز به ترتیب مقام ۱۸ و ۱۰۳ را داشته است. رتبه‌های ایران در این چهار زیر شاخص از رکن اندازه بازار، بیانگر آن است که علیرغم اندازه بازار مناسب، بواسطه باز نبودن مکفی اقتصاد، شاخص اندازه بازار خارجی کشور و سهم صادرات و تجارت آن کماکان رضایت بخش نبوده است.

رتبه مولفه‌های رقابت پذیری کشور در دوره ۲۰۱۸-۲۰۱۷



با مروری به رتبه و امتیاز ۱۱۴ متغیر تشکیل دهنده ۱۲ مولفه اصلی رقابت‌پذیری ایران در جهان، مشخص گردید که رتبه ایران (در ۳۸ زیر شاخص از کل ۱۱۴ زیرشاخص) در بین ۱۳۷ کشور ۱۰۰ و بالاتر از ۱۰۰ بوده است. در این بین، وضعیت ۱۷ متغیر بسیار ضعیف و بالاتر از ۱۲۰ بوده است. متغیرهای ضعیف عبارتند از: متوسط نرخ تعرفه‌های تجاری، میزان مالکیت خارجی، سهم واردات در GDP، مشارکت زنان در نیروی کار، توسعه یافتگی و گستره بازاریابی، تمایل به تفویض اختیار، قانونمندی مبادلات سهام و اوراق بهادار، سهولت دسترسی به وام، سلامت بانک‌ها، اتکا به مدیریت حرفه‌ای، انعطاف‌پذیری در تعیین دستمزدها و همکاری در روابط کارگر و کارفرما، ظرفیت جذب استعدادها و میزان سرمایه‌گذاری خارجی، شدت رقابت محلی، تورم (% تغییر سالانه CPI) و نهایتاً اثر بخشی هیات مدیره شرکت‌ها و سطح دسترسی بنگاه‌ها به جدیدترین تکنولوژی‌ها. ضمن آنکه رتبه چهار مولفه اول صدرالاشاره بسیار نامناسب (۱۳۰ به بالا) ارزیابی شده است که بی‌شک در کاهش رقابت‌پذیری اقتصاد ایران تاثیر گذار بوده است. لذا به منظور بهبود رقابت‌پذیری اقتصاد ایران، بایستی در تمامی متغیرها و سیاست‌ها از جمله ۳۸ عامل دارای رتبه بالای ۹۹ و بالاخص ۱۷ زیرشاخص پیش‌گفته (با رتبه بالای ۱۲۰) و بویژه ۴ مورد دارای رتبه بالای ۱۳۰ اصلاحات الزام‌آور و اقدامات مناسب‌تری اتخاذ گردد.

پیش نیازهای توسعه فضای رقابتی و اولویت های رقابت پذیری ایران:

لازم به ذکر است در اثر تلاش های بعمل آمده در بهبود فضای کسب و کار و رونق مجدد تجاری و مراودات مالی و بهبود زیرساخت های فیزیکی و فناورانه در سال های اخیر، برای اولین بار جایگاه ایران با یک سطح پرش، (طی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶) به مرحله دوم رقابت پذیری (یعنی در گروه اقتصادهای کارایی محور) ارتقاء یافت و با کشورهای نظیر اندونزی، چین، برزیل، مصر، بلغارستان، رومانی، تایلند، آفریقای جنوبی، اردن، مراکش و ... هم گروه شد. توجه به این نکته لازم است که ورود ایران به این مرحله از رقابت پذیری به معنای کارا شدن تمامی اجزای اقتصاد و زیرشاخص های رقابت پذیری کشور نیست، بلکه با عنایت به اینکه کشور در فازهای اولیه این مرحله قرار دارد و بواسطه وجود ضعف های جدی در زیر شاخص های مرتبط با این مرحله (نظیر عدم کارآمدی بازارهای کار، کالا و سرمایه) ضمن اینکه کشور ما نه تنها هنوز از مزایای اقتصادهای کارایی محور (نظیر کاهش هزینه های ناشی از بهره وری) برخوردار نشده بلکه از تبعات منفی آن (نظیر افزایش دستمزدها و ...) نیز رهایی نیافته است و لذا بایستی ضمن توجه کافی برای استقرار قطعی و ثابت در این مرحله بتوان با تلاش مضاعف از مواهب این مرحله بهره برد و نهایتاً با عبور از این مرحله انشالله به مرحله ۳ توسعه رقابت پذیری یا جرگه گروه کشورهای خلاقیت محور قدم نهاد. لازم به ذکر است که سطح توسعه رقابت پذیری ایران تا قبل از سال ۱۳۹۴ همواره در سطح گذر از مرحله ۱ به ۲ بوده است. البته ویژگی دوران گذر از یک مرحله به مرحله بعد، این است که کشورهایی که در حال گذر از یک مرحله به مرحله بعد هستند در صورتی که خود را برای صعود به مرحله بعد آماده نکنند به همان میزانی که در بیرون مرحله قبل به سوی مرحله بعد رشد و حرکت می کنند در صورتی که وزن زیر گروه ها را در تخصیص منابع اقتصادی مطابق نیاز دوران گذر به مرحله بعد تغییر نداده باشند، دچار خسارت و شرایط نامساعد می شوند مثلاً کشورهایی که در حال گذر از مرحله یک (اقتصاد عامل محور) به مرحله دو (اقتصاد کارایی محور) هستند (جدول ۱) عوارض ناشی از ورود به مرحله ۲ (نظیر افزایش حقوق کارگران) را دارند اما از مزایای این مرحله که همان ارتقاء کارایی و کاهش هزینه ها برای تامین رقابت پذیری است، برخوردار نمی باشند لذا به تدریج رقابت پذیری خود را از دست می دهند. بنابراین بایستی طبق اوزان جدول ۱، تمامی تلاش کشور در زمینه تعدیل اوزان و تغییر اولویتها و سیاستگذاری های بودجه ای و تخصیص منابع مالی و امکانات محدود فعلی را به سمت ۵۳ متغیر ۶ رکن شاخص رقابت پذیری در زیر شاخص های اقتصاد کارایی محور هدایت نماید. به نحوی که در تخصیص امکانات مالی و توجهات سیاستگذاری و قانون گذاری با وزن ۵۰ درصد به مولفه های ارتقاء دهنده کارایی، و به عوامل موجدۀ نوآوری و خلاقیت نیز افزون بر ۱۰ درصد اهمیت داده شود و به نیازهای پایه ای اقتصاد نیز حد اکثر وزنی در حد ۴۰ درصد تخصیص یابد تا کشور بتواند اهداف برنامه ششم توسعه و سند چشم انداز ۱۴۰۴ را در جهت گذر از دوره اقتصاد کارایی محور و حصول به مرحله اقتصاد خلاقیت محور و نوآورانه طی نماید. «بدیهی است که اقتصادهای در حال توسعه در جوامع امروزی بدون پیوند با اهرم اقتصادهای مهم و مشارکت در زنجیره جهانی ارزش و بدون تحقق کارایی در بازار کالا، سرمایه، نیروی کار، و فناوری توسعه نمی یابد و اقتصاد بازاری که در محدوده مرزهای ملی یک کشور بماند نه تنها توسعه و شکوفایی پیدا

نمی‌کند بلکه در جهان کشوری نمی‌توان یافت که بدون مشارکت و پیوند با اقتصاد جهانی در توسعه صادرات توفیق داشته باشد.»

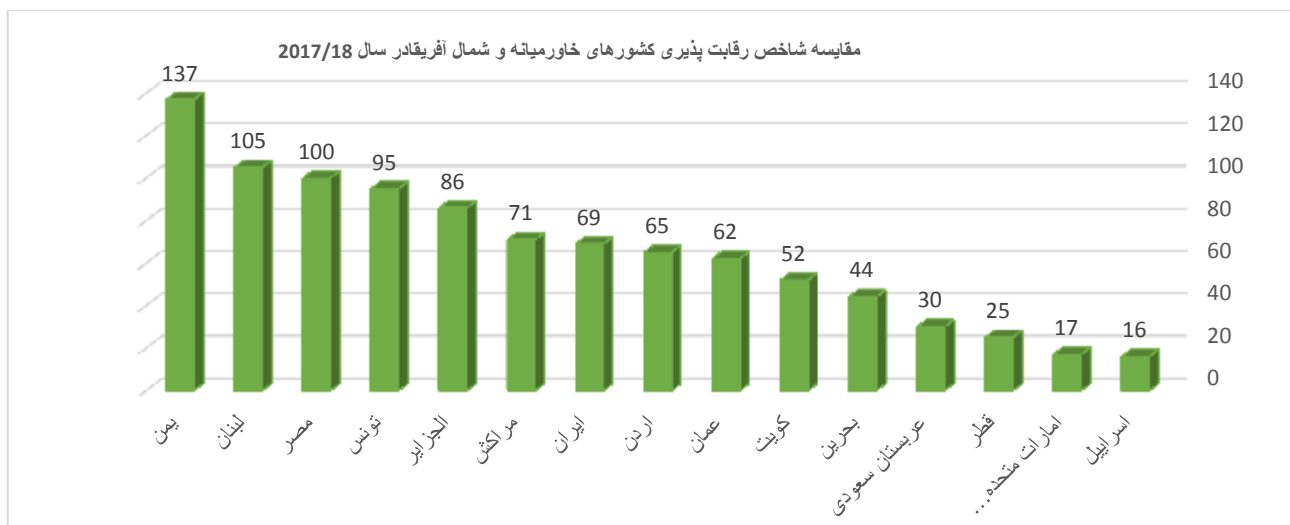
جدول (۱) - وزن هر یک از سه گروه اصلی ارکان رقابت پذیری در هر یک از مراحل پنجگانه توسعه رقابت پذیری

وزن هر یک از زیرشاخص‌ها برحسب مراحل توسعه رقابت پذیری	(مرحله یک) اقتصادهای عامل محور	مرحله گذر از یک به دو	(مرحله دو) اقتصادهای کارایی محور	مرحله گذر از دو به سه	(مرحله سه) اقتصادهای خلاقیت محور
دامنه سرانه تولید ناخالص ملی به دلار	کمتر از ۲۰۰۰	۲۰۰۰ تا ۲۹۹۹	۳۰۰۰ تا ۸۹۹۹	۹۰۰۰ تا ۱۷۰۰۰	بیشتر از ۱۷۰۰۰
وزن نیازهای پایه	٪۶۰	٪۴۰-۶۰	٪۴۰	٪۲۰-۴۰	٪۲۰
وزن ارتقاء دهنده‌های کارایی	٪۳۵	٪۳۵-۵۰	٪۵۰	٪۵۰	٪۵۰
وزن عوامل موجد نوآوری و خلاقیت	٪۵	٪۵-۱۰	٪۱۰	٪۱۰-۳۰	٪۳۰
جمع اوزان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

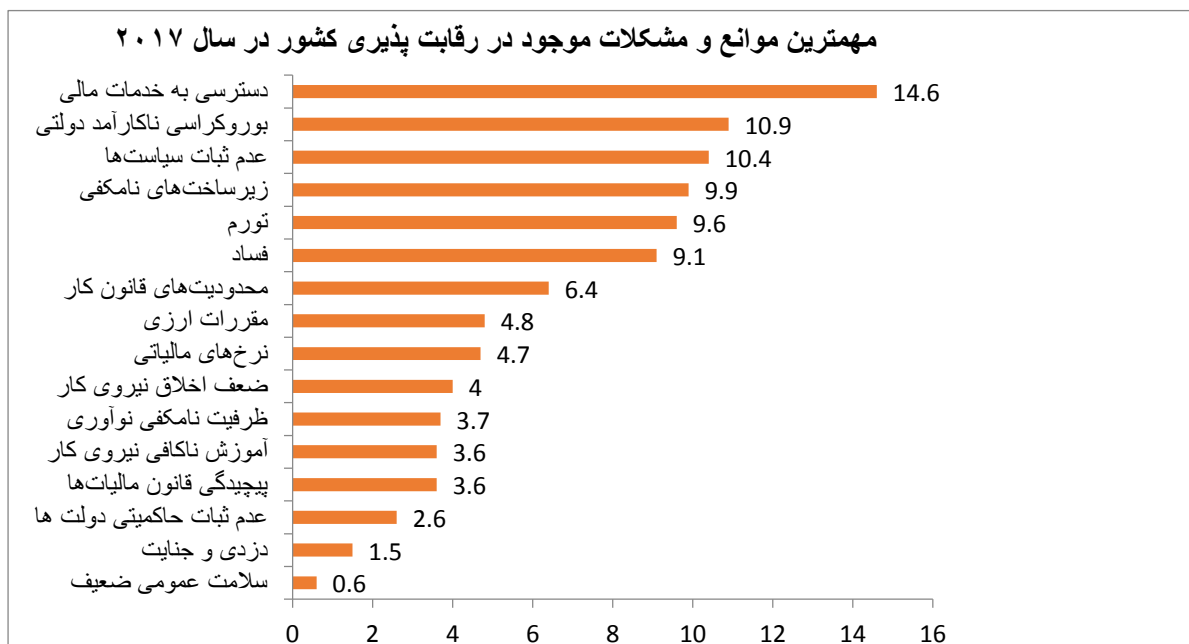
بررسی اجمالی شاخص رقابت پذیری کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا

برابر نمودار ذیل، امارات متحده عربی پس از اسرائیل، رقابت پذیرترین اقتصاد منطقه و متنوع‌ترین اقتصاد منطقه است که از سال ۲۰۱۱ تا کنون قدم‌های بزرگی در جهت آمادگی فناورانه و نوآوری برداشته است و رتبه خود را در این دو رکن رقابت پذیری که پیش‌نیاز توسعه انقلاب چهارم صنعتی هم هست، به ترتیب به ۲۵ و ۲۴ ارتقاء داده است. رتبه ایران در زمینه آمادگی فناورانه و نوآوری در حال حاضر به ترتیب ۹۱ و ۶۶ می‌باشد که فاصله بسیار زیادی با رتبه کشورهای نظیر امارات، قطر و عربستان دارد. رژیم اشغالگر قدس با ارتقاء شاخص رقابت‌پذیری خود به رتبه ۱۶ در جهان بعد از سوئیس و ایالات متحده آمریکا در رتبه سومین کشورهای نوآور جهان قرار دارد. رتبه رقابت‌پذیری امارات متحده عربی و قطر در زیرساخت‌ها به ترتیب ۵ و ۱۳ می‌باشد در حالیکه رتبه ایران در این رکن رقابت‌پذیری ۵۷ است. رتبه این دو کشور در رکن کارایی بازار کالا نیز به ترتیب ۳ و ۱۵ می‌باشد یعنی فقط کشورهای سنگاپور و هنگ کنگ قبل از امارات متحده عربی ایستاده‌اند ایران در این رکن در جایگاه ۱۰۰ جهان ایستاده است. در آمادگی فناورانه نیز رتبه این دو کشور ۲۴ و ۳۴ و رتبه ایران ۹۱ بوده است. همچنین رتبه قطر در رکن ثبات اقتصاد کلان در جایگاه بیستم جهان، کویت جایگاه سی‌ام جهان، امارات متحده عربی ۲۸، عربستان ۵۸ و ایران ۴۴ می‌باشد. رقابت‌پذیرترین کشورهای منطقه بعد از رژیم اشغالگر قدس، کشورهای امارات متحده عربی، قطر و پس از آن عربستان می‌باشند. رتبه عددی شاخص رقابت‌پذیری ایران (۶۹) و پایین‌تر از میانگین رتبه کشورهای نفتی منطقه می‌باشد. میانگین رتبه رقابت‌پذیری کشورهای غیر نفتی منطقه (۸۴) نیز دو برابر میانگین رتبه کشورهای نفتی منطقه (۴۲) است. ضمن اینکه یمن و مصر نامناسب‌ترین رتبه رقابت‌پذیری را در بین کشورهای منطقه منا داشته‌اند. لازم به ذکر است وضعیت زیر شاخص‌های ایران تقریباً شبیه به میانگین وضعیت کشورهای

خاورمیانه و شمال آفریقا می‌باشد با این تفاوت که ایران از مزیت اندازه بازار و سلامت بهداشتی مناسب‌تری برخوردار بوده است.



همانگونه که در نمودار زیر مشهود است از مهمترین موانع موجود بر سر راه کسب و کار و سرمایه‌گذاری در کشور که امتیاز منفی بیش از ۴ گرفته اند را به ترتیب نزولی میتوان از مشکلات دسترسی به خدمات مالی، بوروکراسی ناکارآمد دولتی و مقررات دست و پاگیر اداری، عدم ثبات سیاست‌ها، زیرساخت‌های نامکفی، تورم، فساد، محدودیت قانون کار، مقررات ارزی و بالاخره نرخ‌های مالیاتی نام برد. که حد اقل دو مورد آن تاکید بر ضعف مفرط در ۲ رکن از ارتقاء دهنده‌های کارایی یعنی دسترسی به بازار مالی پیشرفته و کارایی بازار کار می‌باشد. میانگین رتبه ایران در هشت زیر شاخص کارایی در بازار مالی و سرمایه (یعنی در : میزان خدمات مالی منطبق با نیاز کسب و کار، توان مالی و مقرون به صرفه بودن خدمات مالی، تامین مالی از طریق بازار سرمایه محلی، سهولت دسترسی به وام، دسترسی به سرمایه مخاطره آمیز، سلامت بانک‌ها، قانونمندی مبادلات اوراق بهادار، و بالاخره شاخص حقوق قانونی) ۱۲۸ در میان ۱۳۷ کشور می‌باشد که بیانگر بسیار نامساعد بودن وضعیت هر یک از این عوامل می‌باشد. یک بازار مالی کارا نیاز به تخصیص منابع پس‌انداز شده شهروندان از طریق کانال‌های تخصصی موجود بخش مالی به کارآفرینان و پروژه‌های ترجیحا با نرخ بازده بالا دارد و قطعاً تخصیص دستوری و سیاسی آن‌ها فاقد حصول نتیجه مطلوب خواهد شد.



اگرچه در نگاه اول بنظر می رسد که مشکل کشور در سرمایه‌گذاری نامکفی داخلی و خارجی است اما با تدقیق در این موضوع درمی‌یابیم که کمبود سرمایه‌گذاری خود معلول عوامل دیگری است که برای کاهش فاصله قابل ملاحظه کشور با کشورهای منطقه بایستی نسبت به رفع عاجل آنها اقدام لازم بعمل آید بعنوان مثال: مولفه‌های اندکی در شاخص رقابت پذیری وجود دارد که ارتقای آن‌ها نیازمند سرمایه و تامین مالی گسترده است، از مشکلات و موانع توسعه در شش رکن موجود در ارتقاء دهنده‌های کارایی، فقط یک رکن (آمادگی فناورانه) احتیاج به سرمایه‌گذاری مستقیم داشته و مشکلات پنج رکن دیگر ریشه در سیاست‌های کلی قانونگذاری و یا سیاست‌گذاری‌های داخلی دارد. بعنوان مثال موانع موجود در رکن کارایی بازار کار، عمدتاً به موضوع قانون کار و محدودیت‌های ناشی از آن، رویه‌های استخدام و اخراج نیروی کار، مکانیزم تعیین دستمزدها، تخصیص شاغل بر اساس استعداد و شایستگی و روابط کارگر و کارفرما برمیگردد و اصلاحات مورد نیاز در این زمینه منوط به جدیت دولت و همراهی مجلس شورای اسلامی است و محدودیتی که بتوان با سرمایه‌گذاری مالی آنرا حل نمود در این زمینه تقریباً وجود ندارد. در اندازه بازار داخلی دارای مزیت طبیعی هستیم و در تحصیلات عالی در مقایسه با کشورهای منطقه از وضعیت مناسبی برخورداریم، از نظر شرایط اقتصاد کلان و کارایی بازار کالا نیز تا حدودی از وضعیت قابل قبول‌تری نسبت به سال‌های قبل برخوردار هستیم. ریشه اصلی محدودیت‌های بازار مالی نیز قبل از اینکه در کمبود سرمایه جستجو شود در کمبود یا نبود تعاملات بانکی و ارتباطات مالی بین‌المللی است که ریشه در سیاست‌گذاری‌های حقیقی و حقوقی و دیپلماسی تجاری و سیاسی کشور و سال‌ها دوربودن از تعاملات بانکی بین‌المللی و بازارهای سرمایه بوده است. این موارد، قبل از آنکه راه حل مالی داشته باشد راه حل اداری، سیاسی و دیپلماتیک دارند. لذا بنظر می‌رسد پس از حل و فصل این موانع که علت اصلی رتبه پایین رقابت‌پذیری کشور است می‌توان به محدودیت عامل سرمایه‌گذاری در رکن زیرساخت‌ها یا دسترسی فناورانه اشاره داشت.